

بررسی دوره ی اقتدار هخامنشیان (نظام های موجود در اداره حکومت هخامنشی)

جلیل سالک ذوقی^۱، جلیل سالک ذوقی^۲^۱فوق لیسانس علوم اجتماعی(نویسنده مسئول)^۲کارشناسی ریاضی

چکیده

در ایران عزیز ما نیز از چند هزار سال قبل، گذشتگان، بزرگان و دلسوزان این مرز و بوم به گواهی اسناد و مدارک تاریخی چنانکه در این مقاله به طور مختصر اشاره شده است با کار و تلاش فراوان و قابل ستایشی که به عمل آورده‌اند، اقدامات زیادی در جهت تامین و رفاه اجتماعی مردم این سرزمین مقدس انجام داده‌اند که بدون شک افتخاری برای بشریت و به خصوص ملت ایران است. این مقاله قصد دارد به طور بسیار مختصر گوشه‌ای از اقدامات صورت گرفته توسط ایرانیان را تنها و تنها درباره «رفاه و تامین اجتماعی» در دوره هخامنشیان را مورد بحث و بررسی قرار دهد و معلوم نماید که مردم ایران و حکومت‌های ایرانی که در چند هزار سال پیش و مخصوصاً عصر هخامنشیان می‌زیستند مردمانی بسیار متمدن و کشور ایران سرزمین توسعه یافته‌ای بوده است در مقایسه با جهان آن روز.

انسان‌های بی‌تفاوتی نبودند و همواره در جهت توسعه و رفاه نوع بشر به خصوص ملت ایران گام‌های بسیار اساسی برداشته‌اند و اقدامات فراوان و گوناگونی درباره «رفاه و تامین اجتماعی» به عمل آورده‌اند که تا مدت‌ها بعد از آنان وجود داشته و اثر آنها را هم‌اکنون نیز در لایه‌های زیرین آداب و رسوم خود درمی‌یابیم که به نام رفاه و تامین اجتماعی سنتی می‌باشد بنابراین هدف این مقاله، بیان تاریخ محض نیست، بلکه روشن کردن اذهان جوانان عزیز این مرز و بوم است که با الگو گرفتن از گذشته پرافتخارمان آینده بهتری را برای نسل آینده بسازند، چرا که دیر یا زود آیندگان درباره ما و آنها به قضاوت می‌نشینند و اگر دست روی دست بگذاریم و بی‌تفاوت از کنار مسایل بگذریم، بدون شک نسل آینده خاطره خوشی از آنها به نسل‌های بعدی منتقل نخواهد کرد. از این رو برماست که میراث فرهنگی و بزرگان گذشته را مقدس و محترم شماریم بدینوسیله از خودبیگانگی و فرار مغزها در جامعه جلوگیری نماییم.

واژه‌های کلیدی: هخامنشیان، دوره ایران باستان، تاریخ ایران، ایرانیان، رفاه و توسعه، پیشرفت

مقدمه

اگر رفاه و تامین اجتماعی را مجموعه‌ای از: قوانین و مقررات، برنامه‌ها، خدمات اجتماعی، اقدامات عمرانی، کمک‌های اجتماعی، ارائه خدمات رایگان به نیازمندان، خدمات بهداشتی، گسترش آموزش و پرورش، اعطای معاش دوران بیکاری، تامین نیازهای سالمندان، ناتوانان، تهیدستان، حمایت از مادران و کودکان، زنانی بی‌سرپرست، پرداخت مزد عادلانه به کارگران و کارمندان زن و مرد، بیمه و بیمه بیکاری و از کارافتادگی، کاهش فقر، کمک به معلولان، برقراری عدالت و قضاوت عادلانه و ایجاد امنیت و نظام اداری و کشوری عادلانه و همچنین مقابله با آثار و نتایج چهار نوع اجتماعی مشترک بشر یعنی: بیکاری، بیماری، بی‌چیزی و فقر و ناتوانی و ضعف است در نظر بگیریم که موضوع اصلی رفاه و تامین اجتماعی است (زیرا مراد از تامین اجتماعی

برنامه‌های رفاهی است که به طور کلی به منظور مخاطرات در زندگی و حمایت از افراد جامعه صورت می‌گیرد) و از ویژگی‌های «دولت رفاه» می‌باشد، باید به جرات بگوییم که در عصر هخامنشیان تا حد بسیار زیادی و در مقایسه با وضعیت امروزی کشور خودمان و بسیاری از کشورهای جهان به خوبی وجود داشته و کاملاً اجرا می‌شده است.

۲. اقدامات رفاه و تامین اجتماعی در عصر هخامنشیان

اگر رفاه و تامین اجتماعی را مجموعه‌ای از: قوانین و مقررات، برنامه‌ها، خدمات اجتماعی، اقدامات عمرانی، کمک‌های اجتماعی، ارائه خدمات رایگان به نیازمندان، خدمات بهداشتی، گسترش آموزش و پرورش، اعطای معاش دوران بیکاری، تامین نیازهای سالمندان، ناتوانان، تهیدستان، حمایت از مادران و کودکان، زانی بی‌سرپرست، پرداخت مزد عادلانه به کارگران و کارمندان زن و مرد، بیمه و بیمه بیکاری و از کارافتادگی، کاهش فقر، کمک به معلولان، برقراری عدالت و قضاوت عادلانه و ایجاد امنیت و نظام اداری و کشوری عادلانه و همچنین مقابله با آثار و نتایج چهار نوع رنج اجتماعی مشترک بشر یعنی: بیکاری، بیماری، بی‌چیزی و فقر و ناتوانی و ضعف است در نظر بگیریم که موضوع اصلی رفاه و تامین اجتماعی است (زیرا مراد از تامین اجتماعی برنامه‌های رفاهی است که به طور کلی به منظور مخاطرات در زندگی و حمایت از افراد جامعه صورت می‌گیرد) و از ویژگی‌های «دولت رفاه» می‌باشد، باید به جرات بگوییم که در عصر هخامنشیان تا حد بسیار زیادی و در مقایسه با وضعیت امروزی کشور خودمان و بسیاری از کشورهای جهان به خوبی وجود داشته و کاملاً اجرا می‌شده است.

کوروش کبیر نه تنها در زمینه رفاه و تامین اجتماعی ایران بلکه مردم سرزمین‌های دیگری که به تصرف آنها درمی‌آمد، (چنانکه در خلال مقاله به خوبی درخواهیم دریافت) کوشش فراوان به عمل آوردند تا به گسترش عدالت، کردار نیک و اندیشه نیک، صلح و آرامش (چون رفاه و تامین اجتماعی در آرامش حاصل می‌شود) رفع بردگی، آزادی دینی، دادخواهی، جلوگیری از اندوه و غم در ممالک محرومه، جلوگیری از خشونت و بدکرداری، دخالت نابجا در زندگی مردم، دست‌درازی به اموال دیگران، آبادی خانه‌های ویران، سازندگی و غیره است.

چنانکه همه این موارد در بیانیه و لوح حقوق بشر کوروش کبیر به خوبی نمایان است. کوروش، برخلاف بسیاری از فرمانروایان پیشین و زمان خود چون «آشوربانی پال» و دیگران که پس از غلبه در جنگ‌ها بر قوم مغلوب، شدیدترین مجازات را اعمال می‌کردند. طبق شهادت تاریخ و لوح استوانه‌ای موجود در موزه، از قتل و غارت اجتناب می‌کردند و به عمران و آبادی سرزمین آنها می‌پرداختند.

چنانکه یهودیان بابل که در شدیدترین وضعیت در «بابل به بیگاری گرفته می‌شدند، توسط سپاه ایران و به دستور کوروش آزاد شدند و کوروش کبیر با بودجه ایران و از محل غنائم «بابل» دستور بازسازی معابد و خانه‌های ویران شده یهودیان را صادر کرد و آن قوم را از تیره‌روزی چندین ساله نجات داد. بهمین جهت است که یهودیان دنیا، هنوز پس از این همه سال در سرتاسر دنیا، روز آزادی بابل و نیز روز تولد کوروش کبیر را جشن می‌گیرند.

این در حالی است که در همان روزگار «آشوربانی پال» با سرافرازی، رفتار دژخیمانانه خود را چنین ثبت کرده است که «من در مدت یک ماه و یک روز، خوزیان و بابل را از آبادی تهی ساختم. من به دست خوش سه هزار جنگجو را از دم تیغ گذراندم و

برخی را به کام آتش سپردم، چشمان بسیاری را درآوردم و پس از همه این کارها، شهرها آر آتش زد و همه چیز را به آتش و خون کشیدم».

کوروش بزرگ چنین می گوید: «چون به بابل درآمدم، به شادی و خوشی در کاخ شاهان نشیمن کردم «مردوک» خدای بزرگ بابل، مردمان آزاده بابل را به سوی من گرداند و من هر روز بر پرستش او روی آوردم، سربازان بی شمار من به آرامش به بابل درآمدند. در برابر «سومر» و «آکد» رفتار دژخیمانه اجازه ندادم، یوغ ننگین را از آنها برداشتم، خانه های فروافتاده شان را از نو ساختم و ویرانه ها را پاک کردم، «مردوک» خدای بزرگ از کارهای نیکم شاد شد و از روی مهر، مرا آفرین گفت، مرا کوروش، شاهی که او را پرستش می کند و کمبوجیه پسر من و همه سربازانم و ما، بی ریا و با شادی خداوندگاریش را ستودم.

ارتش بزرگ من به صلح و آرامی وارد بابل شدند. نگذاشتم رنج و آزاری به مردم این شهر و این سرزمین وارد آید.

من برای صلح کوشیدم «نبونید» که مردم درمانده بابل را به بردگی کشیده بود کاری که درخور شان آنان نبود. من برده داری را برانداختم. به بدبختی های آنان پایان بخشیدم. فرمان دادم که همه مردم در پرستش خدای خود آزاد باشند و آنان را نیاز دارند.

فرمان دادم که هیچ کس، اهالی شهر را از هستی ساقط نکند. «مردوک» از کردار نیک من خشنود شد. او بر من، کوروش که ستایشگر او هستم. بر پسر من کمبوجیه و همچنین بر همه سپاهیان من، برکت و مهربانی ارزانی داشت، همگی شادمانه و در صلح و آشتی مقام بلندش را ستودیم و همه پادشاهان سرزمین های جهان از «دریای بالا» تا «دریای پایین» (دریای مدیترانه تا خلیج فارس)، همه مردم سرزمین های دور دست، همه پادشاهان هم چادرنشینان، مرا، خراج گذاردند و در بابل بر من بوسه زدند، من شهرهایی «آگاده»، «اشنوننا»، «زمبان»، «متورنو»، «دیر»، «سرزمین «گوتیان» و شهرهای کهن آنسوی «دجله» که ویان شده بود از نو ساختم.

فرمان دادم تمام نیایش گاه هایی که بسته شده بود را بگشایند. همه خدایان این نیایش گاه ها را به جای خود بازگرداندم. همه مردمانی که پراکنده و آواره شده بودند به جای خود برگرداندم.

خانه های ویران آنان را آباد کردم. همه مردم را به «همبستگی» فرا خواندم. همچنین پیکره خدایان سومر و آکدا را که «نبونید» بدون واهمه از خدای بزرگ به بابل آورده بود، به خشنودی «مردوک» به شادی و خردمی به نیایش گاه خودشان بازگردانم. بشود که دل ها شاد گردد، بشود خدایانی که آنان را به جایگاه مقدس نخستین شان بازگرداندم.

هر روز در پیشگاه خدای بزرگ برایم خواستار زندگی بلند باشند. بشود که سخنان پربرکت و نیک خواهانه برایم بیابند. بشود که آنان به خدای من «مردوک» بگویند.

به کوروش شاه: پادشاهی که ترا گرمی دارد و پسرش کمبوجیه جایگاهی درسرای سپند ارزانی دارد. بی گمان در روزهای سازندگی همگی مردم بابل، پادشاه را گرمی داشتند و من برای همه مردم، جامعه ای آرام فراهم ساختم، صلح و آرامش را به تمامی مردم اعطا کردم. برج و باروهای بزرگ شهر بابل به نام "ایمگور - انلیل" را استوار گردانیدم، دیوار آجری خندق شهر را

که هیچ یک از شاهان پیشین با بردگان به بیگاری گرفته شده به پایان نرسانیده بودند، به انجام رسانیدم. دروازه‌هایی بزرگ برای آنها گذاشتم با درهایی از چوب سدر و روکشی از مفرغ این در حالی است که "آشوربانی بال" چنان که گذشت و بسیاری از فاتحان پس از کوروش و قبل از او چون: هون‌ها، ژرمن‌ها، ویزگوت‌ها، استروگوت‌ها، لمباردها، انگلوساکسون‌ها، واندل‌ها، فرانک‌ها، نورمان‌ها که به نظر یونانیان در حال توحش به سر می‌بردند کشتارهایی می‌کردند که نظیری ندارد. از وحشی‌گریهای اعراب مسلمان در حمله به ایران و تصرف همراه با قتل عام آنان و مغولان و دیگر اقوام مهاجم، کوشش‌هایی از این مستندات تاریخی است. آنگاه اعلامیه کوروش معنی الهی پیدا می‌کند و حتی سبب شده است تا بعضی از منابع از او به عنوان پیامبر و مسیح یاد کنند. آنگونه که در تورات، خداوند کوروش را مسیح و منجی و نماینده خود معرفی می‌کند.

در تورات آمده است خداوند به مسیح خویش یعنی کوروش که دست راست او را گرفتم تا با حضور وی امت‌ها را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم و تا درها را به حضور او مفتوح نمایم و دروازه‌های دگر بسته نشوند، چنین گوید: که من پیش روی تو خواهم خرامید و جاهای ناهموار را هموار خواهم ساخت و درهای برنجین فلز برنج را شکسته و پشت بندها آهنین را برید و گنج‌های ظلمت و خزاین مخفی را به تو خواهم بخشید تا بدانی "یهوه" که تو را به اسمت خواندم خدای اسرائیل می‌باشم.

کوروش در این اعلامیه و دیگر کتیبه‌هایی که از بجا مانده ضمن تاکید شدید بر رفاه و تامین اجتماعی مردم از تمام جهات بر پرستش اهورامزدا و خداوند بزرگ تاکید می‌کند و به دستور او در تمامی قلمرو هخامنشیا تمامی پیروان ادیان مختلف در پرستش و عبادت آزاد گردیدند. امری که امروزه همه ما به خوبی آگاهیم در بعضی از کشورهای دنیا برای پیروان ادیان مختلف آرزویی دست نیافتنی است

آزادی دینی و اجتماعی که بسیاری فکر می‌کنند مربوط به بعد از انقلاب فرانسه است در حالی که در ایران زمان هخامنشیان شاهد هستیم و در مدت دویست سال از حکومت این سلسله به جرات می‌توان گفت مردم در قلمرو و پادشاهی هخامنشی نسبت به مردم هم عصر خود با آسایش و رفاه آزادی بسیار زیادتر و غیرقابل قیاس زیستند که از شاخص‌های عمده رفاه و تامین اجتماعی یا دولت رفاه به شمار می‌روند زیرا از وظایف اصلی و اساسی دولت رفاه آن است که در جهت گسترش تامین و رفاه اجتماعی چه بیشتر تلاش نماید.

مخالفت با برده‌داری نیز در زمانی که در تمامی دنیا حتی کشورهای متمدن چون: یونان که مهد دموکراسی خوانده می‌شود، امری رایج بوده، ایرانیان در ۲۵۰۰ سال پیش لغو بهره‌برداری را تصویب کردند و بسیاری از مردم ممالک تحت الحمایه ایران از چنین بدبختی نجات دادند و برابری کاملی بین تمام مردم ایران زمین به وجود آوردند.

چنانکه در یونان ارسطو می‌گفت: غلام ابزار جاندار است که برای به حرکت انداختن ابزار بی‌جان لازم است. به عقیده او وجود بردگان برای رفع نیازمندی‌های مردم آزاد ضروری است. غلام از روز اول غلام خلق شده و باید عمر خود را در خدمتگزاری مردم آزاد سپری کند.

در حالی که در ایران دوره هخامنشی برابری کاملی که بسیاری از ادیان بر آن تاکید می‌کنند اولین بار به صورت مکتوب در اعلامیه کوروش آمده است و سربازانی که توسط سپاه ایران اسیر می‌شدند، اگر به ایران تبعید می‌شدند، این آزادی را داشتند تا با آموزش علم به کودکان و جوانان ایرانی آزاد شوند. بودند اسیرانی که در ایران عصر هخامنشیان به بالاترین مقامات لشکری و

اداری رسیدند. همچنین از سنگ نبشته‌ایی که برپیشانی آرامگاه کوروش در مشهد مرغاب در فارس قرار داشته این سخن وی به گوش می‌رسد که:

"ای انسان هر که باشی و از هر کجا بیایی زیرا می‌دانم که خواهی آمد. من کوروش هستم که برای پارسی‌ها این شاهنشاهی پهناور را بنیاد کرده‌ام. بدین مشتی خاک که مرا پوشانده رشک میر."

در زمینه کسب دانش و فنون و حرفه‌های گوناگون و بالا بردن سطح تولیدات و تامین هر چه بیشتر نیازمندیهای غذایی و وسایل لازم و مورد احتیاج هخامنشیان اقدامات بسیار اساسی نمودند به حدی که آموختن فنون حرفه‌ایی به اندازه‌ایی اهمیت یافت که بعدها، حتی آنان که در رفاه بودند و بدان نیازی نداشتند آن را فرا می‌گرفتند.

هم چنین بسط سازمان و تشکیلات ارتش و تقویت آن چنانکه قادر به برقراری امنیت و حفظ تمامیت ارضی درمقابل هر متجاوز خارجی باشد، از اهمیت زیادی برخوردار بود. بدین منظور آنان به ذخیره خواربار و حوائج دیگر و نیز تهیه و تربیت افراد جنگی می‌پرداختند و با فراگرفتن اسب سواری و تیراندازی و شکار خود را برای هدف مبارزه با دشمنان آماده می‌کردند.

بررسی نظام ارتباطی دوره ی هخامنشیان

در زمینه ایجاد راههای ارتباطی، پست، ارتباطات و مخابرات همانگونه در تمدن جدید راه، تلفن، تلگراف، رادیو، تلویزیون و غیره و همچنین کتاب، مجله، روزنامه از عوامل ارتباط جمعی و رفاه اجتماعی است و وسیله‌ای است که باعث آشنایی و نزدیکی (ذهنی، علمی، فرهنگی، اقتصادی) میان افراد یا یک قوم و جامعه با اقوام و جوامع دیگر می‌باشد و در دوره هخامنشی نیز تا آنجا که در توانایی و گنجایش علم و صنعت آن دوران بوده توجه خاص شده و نیاکان ما در حد امکان برای بالا بردن سطح دانش و خواسته‌های اجتماعی و تبادل فرهنگی، اقتصادی، و ... با همسایگان خود کوشش کرده‌اند.

به همین سبب است که پست و چاپار و تلگراف را بنیاد نهادند. هردوت می‌نویسد: "مخترع پست و چاپار ایرانیان دوره هخامنشی می‌باشند و هیچ انسانی به سرعت قاصدهای پارسی نمی‌تواند مسافرت کند".

بدین منظور علاوه بر تربیت چاپارهای مخصوص چاپارخانه‌ای دایر کردند(با مطالعه‌ای که به عمل آورده بودند فاصله‌ایی که یک اسب تندرو می‌توانست در روز طی کند تعیین کرده بودند) تا نامه‌های دولتی و غیردولتی را از مرکز تا نزدیک‌ترین چاپارخانه ببرد و به چاپارخانه‌هایی که آماده بر سر خدمت ایستاده بودند می‌رساندند و او در دم حرکت کرده و نامه را به چاپارخانه دوم، سوم، و دیگر تسلیم می‌کرد. بدین منوال چاپارها شب و روز در حرکت بودند.

سرعت و نظمی که ایرانیان برای رساندن پست برقرار کرده بودند و ابتکارهایی که نقل و انتقال اخبارشان دادند شهرت جهانی دارد و جالب است که بدانییم شعار پست‌خانه‌ای آمریکا از این گفته هردوت درباره چاپارخانه‌های هخامنشی گرفته شده است "برف، باران، یخبندان و تاریکی نمی‌تواند ما را از ادامه رساندن نامه و سفر خویش باز دارد".

چاپارهای ایران دوره هخامنشی فاصله تقریباً ۲۵۰۰ کیلومتری از بندریونانی‌نشین افرو Ephesos در ساحل مدیترانه در

آسیای صغیر تا سارد مرکز ایالت لیدی و از آنجا به سوریه و بین‌النهرین تا شوش پایتخت هخامنشی در ۱۵ روز طی می‌کردند. حال آنکه عبور از همان راه برای یک قافله نود روز طول می‌کشید.

همچنین تنظیم امور مربوط به مخابره‌ی سریع اخبار و گزارشات مهم که در حقیقت نوعی مخابره تلگرافی بصری بوده در ایران دوره هخامنشی وجود داشته است. بدین معنی که از شوش و همدان به اطراف کشور ایران با فاصله‌های منظم تپه‌های طبیعی را برای مخابره معین می‌نمودند و در نقاط دیگر که کوه و تپه‌های طبیعی یافت نمی‌شد، تپه‌های مصنوعی بلند ساخته و بر بالای آن نگهبان می‌گماشتند که در روز جرأت دادن دست و بیرق و یا ایجاد دود در شب با افروختن آتش اخبار فوری به فاصله‌های نسبتاً دور اطلاع دهند.

آثار تپه‌هایی از این قبیل در نزدیکی تهران هم وجود دارد که از ری به طرف شرق و از شمال ورامین به ایوانکی می‌رود و بقایای برج‌های خبررسانی عهد هخامنشی است.

از شیوه دیگر مخابراتی مدیران (تلگراف آینه) بی‌استی است که در روز با کمک آفتاب مورد استفاده قرار می‌گرفت و این طریقه تا این اواخر در ارتش‌های جهان سوم مورد استفاده قرار می‌گرفت و این طریقه تا این اواخر در ارتش‌های جهانی سوم مورد استفاده بود و هنگام مخابرات توسط نور چراغ انجام می‌شده است. بدین طریق که پشت بام قلعه یا خانه‌های بلند در برجک مخصوص چراغ می‌افروختند و با بستن و باز کردن سوراخ‌های آن برجک و قطع و وصل روشنی، اخبار و گزارشات لازم را به نقاط دیگر مخابره می‌کردند.

در زمینه اقدامات عمرانی هخامنشیان اقدامات بسیار مهمی به نظر تاریخ‌نویسان درسدسازی مخزن‌های آب، کاریز، ترعه‌ها، جاده‌ها و پلها و اقدامات زیادی در گسترش و اصطلاح کشاورزی و انتقال دانه‌ها و قلمه‌های گیاهان مختلف از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر نمودند و هیات‌های پژوهشی و اکتشافی که به زمینها و دریاها دور فرستادند مانند ماموریت فرستادن نجیب‌زاده ایرانی برای اکتشاف سواحل آفریقا به دستور خشایار که از جبل الطارق گذشته و کناره‌های قاره آفریقا را پیمودند صحبت به میان می‌آید

مثلا در ناحیه هرات دریاچه‌ای برای کمک به کشاورزان کردند. کشت پسته و نوعی ازمو را در شام، کشت کنگد را در مصر، کشت برنج را در میان رودان (بین‌النهرین) و کشت نوعی گردو را در یونان معمول داشتند. کوروش عوارضی را که در بابل از آب برای کشاورزی می‌گرفتند لغو کرد.

درباره راه و راهسازی که مهمترین وسیله ارتباطی و تفهیم متقابل افکار و عقاید و کسب تجارب علمی، فنی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و از کارهای مهم و اساسی در جهت رفاه و تامین اجتماعی است هخامنشیان اقدامات بسیار مهمی انجام دادند.

چنانکه احداث راه شاهی به امر داریوش بزرگ از بند یونانی‌نشین در ساحل مدیترانه در آسیا صغیر یا سارد مرکز ایالت لیدی و از آنجا به سوریه و بین‌النهرین تا شوش پایتخت شاهنشاهی هخامنشی نمونه‌ای از این علاقه ایرانیان در تماس و آمیزش با ملل گوناگون و برقرار ساختن یک رابطه پایدار میان فرهنگ‌های مختلف است.

در هزار و سیصد سال پیش از آنکه آب‌راه سوتر میان دریای سرخ و دریای مدیترانه ساخته شود به دستور داریوش با کندن ترعه‌ای بزرگ که عبور آن چهار روز طول می‌کشید رود نیل را به دریای سرخ متصل نمودند و آرزوی فراغه مصر در کندن چنین ترعه‌ای را برآورده ساختند. سنگ نبشته‌ایی که در نزدیکی ترعه سوئز پیدا شده داریوش شاه گوید:

«من یک پارسی هستم
از پارس مصر را گشودم
فرمان دادم این کانال را بکنند
از رودخانه‌ای به نام نیل که در مصر جاری است
تا دریایی که از پارس می‌رود
پس از آن این کانال کنده شد
چنانکه فرمان دادم
و کشتی‌ها از مصر، از میان این کانال به سوی پارس روانه شدند
چنانکه خواست من بود»

همچنین داریوش بزرگ هیأتی را مأمور نمود تا مسیر رود سند را بررسی نموده تا از راه اقیانوس هند و دریای احمر به ایران برگرداند. پیرو این اقدام که به گفته «هرودت» سی ماه طول کشید چند بندر و یک راه دریایی برای تسهیل روابط بین هندوستان و بخش‌های باختری شاهنشاهی و دریای مدیترانه برقرار گردید.

در یونان به امر خشایار شاه دو مهندس ایرانی، کوه «آتوس» را بریده، ترعه‌ای به طول تقریباً ۲۵۰۰ متر و به عرض کافی برای آن که دو کشتی دارای سه ردیف پاروزن پهلو به پهلو از آن عبور نمایند، ساختند و این گونه راه ارتباطی آبی را بسیار کوتاه کردند.

همچنین هخامنشیان، هزاران کیلومتر جاده منظم، کاروان سراها و منزلگاهها برای تعویض اسب و مأموران لازم برای حفظ امنیت و تعمیرات جاده‌ها میان شوش و سارد و تنکه به سفر و از میر، در جهت مخالف تا هند و هرات و مرزهای چین ساختند معروف‌ترین این راهها جاده‌ی شاهی است که شوش و سارد

همانگونه که گفتیم) به هم وصل می‌کرد که به گفته تاریخ نویسان یونانی سطح آن برای بلند نشدن گرد و خاک با نفت خام پوشانده بودند که کشف بقایای آن، صحت نوشته‌های یونانی‌ها را ثابت کرده است.

برای تعمیر و نگهداری جاده‌ها از کارمندانی استفاده می‌شد که از طریق خزانه دولتی حقوق دریافت می‌کردند. مسافری دولتی و اشخاص مهم با کسب مجوز از شاهراهها استفاده می‌کردند باین مجوزها را در الواح مجموعه تخت جمشید می‌توان مشاهده کرد. در سندهایی که یافت شده، معلوم می‌شود مجوزهای عبور و مرور در جاده شاهی و دیگر شاهراهها، جهت استفاده از جیره توسط مسافرین و نیز اطلاع از هویت افراد بوده است. جالب آنکه در این مجوزها مقدار جیره و نام مسافر و مبدأ و مقصد آنان ذکر می‌شده است.

از جمله اقدامات دیگر، هخامنشیان می‌توان به توسعه قنات سازی در ایران اشاره کرد که نخستین بار توسط کوروش و پس افراد توسط دیگران به صورت گسترده‌تری ادامه یافت «پولیوس» در کتاب تاریخ خود می‌نویسد: پارسیان آن هنگام که ارباب آسیا بودند، حق بهره‌برداری از زمین را برای پنج نسل به کسانی اعطا می‌کردند که آب چشمه را به مناطقی که پیش از آن آبیاری

نمی‌شد، ببرند.

حقوق زنان و مردان در دوره ی هخامنشیان

حقوق زن و مرد در اغلب اوقات برابر بوده است و زنان می‌توانستند کار نیمه وقت انتخاب کنند، تا از عهده وظایفی که در خانه به خاطر خانواده داشتند برآیند.

از نکات بسیار شگفت‌انگیزی که در مورد زنان و وضعیت آنان باید اشاره کرد امور رفاهی فراوان و برابری زنان و مردان بوده است. زنان در عصر هخامنشی می‌توانستند حتی به ریاست گروه‌های کار انتخاب شود و در هنگام زایمان از جیره بیشتری نسبت به مردان برخوردار بودند. پس از زایمان از مرخصی با حقوق و نیز هدایایی بهره‌مند می‌شدند. آن‌ها می‌توانستند که در هنگام کار در تخت جمشید، کودکان خود را به «مهدکودک» بسپارند.

طبق شواهدی که موجود است، خانواده ایرانی در عصر هخامنشی به صورت عمدتاً تک همسری و خانواده گسترده بوده است.

در بین الواح مکشوفه که ذکر آن گذشت به همه زنان بافنده نیز اشاره شده است در اغلب اوقات جیره شراب، آب جو و غلات دریافت می‌کردند. به مادران بیشتر از زنان و دختران، جیره تعلق می‌گرفت که خود پاداشی بود برای فرزندآوری جیره‌های اضافی که به ازای فرزندان بیشتر به مادران تعلق می‌گرفت اساساً به زنان امکان می‌داد که نیروی خود را باز یابند و با شیر خود، کودکانشان را تغذیه کنند. اسناد تخت جمشید آن قدر دقیق است که حتی تعداد نوزدانی که در صد کودک نگهداری می‌شده‌اند به همراه مادرانشان جیره دریافت می‌کرده‌اند.

دختران در عصر هخامنشی مطابق دستورات دین زرتشت در امر ازدواج اختیار کامل داشتند. بنا به گفته هردوت، در زمان هخامنشیان دولت به مردم کمک مالی می‌داد تا بتوانند همسر انتخاب کنند. داریوش حتی به خانواده‌هایی که فرزند زیاد داشتند جایزه می‌داد.

مرتضی راوندی می‌نویسد: چنانکه سوابق نشان می‌دهد، حجاب به صورت غیر جدی و آمیخته با تساهل فقط در بین طبقات ممتاز وجود داشت. معاشرت دختران و پسران قبل از ازدواج معمول بود. زنان مخصوصاً آنان که وابسته به طبقات پایین بودند در فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی شرکت می‌جستند.

زرتشت خطاب به دخترش می‌گوید: آن کسی را به همسری برگزین که «خرد» تو به آن فرمان می‌دهد. همین تعالیم مذهبی مطمئناً در عصر هخامنشی نیز به صورت رایج وجود داشته است.

زنان در عصر هخامنشیان، به بالاترین مرتبه فرماندهی لشکر رسیدند «آرتمین» نخستین زن دریا نورد ایرانی بود که در حدود

۲۴۸۰ سال پیش به فرمان خشایار شاه به مقام دریا سالاری و فرماندهی کل نیروی دریایی ایرانی رسید. همچنین او اولین زن در تاریخ دریا نوردی جهان است که در جایگاه فرماندهی قرار گرفته از دیگر نکاتی که در مورد جایگاه زنان در عصر هخامنشی می‌توان به آن اشاره کرد. برگزاری روز «زن» در ایران باستان بوده است که در پنج اسفندماه سال بوده است.

زنان در این روز از شوهرانشان هدیه می‌گرفتند. در ایران باستان این روز را به احترام فرشته پاک «سپندارمز» برای پیروی از صفات پاک جشن می‌گرفتند و شادی پایکویی می‌کردند. ابوریحان این جشن را، مژده گیران یا مزدگیران نامیده است که البته این رسم در آیین زرتشتی چندان با دوام نماند و کمتر خانواده ایرانی و زرتشتی در ایران چیزی از این مراسم می‌دانند.

نظام قضایی در دوره هخامنشیان

در مورد نظام قضایی و رعایت عدالت که از ویژگی‌های رفاه و تأمین اجتماعی است. در زمان هخامنشیان بسیار مدون و عادلانه بود. زیرا مجری قانون و دادگستری، مغان و پیشوایان مذهبی بودند که نزد ایرانیان از فرزندان و دانشمندان به شمار می‌رفتند.

در همین زمان برجعی تحت عنوان «محکمه اعلی» وجود داشت که از هفت قاضی منتخب از نجیب‌زادگان تشکیل می‌شد و محکمه‌های محلی، نیز در سراسر کشور ایجاد شده بود تا از طولانی شدن محاکمه‌ها جلوگیری کند.

برای هر نوع محاکمه زمان معینی تعیین و همواره به طرفین پیشنهاد سازش از طریق داوری می‌گردید. به علت زیادی سوابق قضایی و طول و تفصیل قوانین گروه خاصی به نام «سخن‌گویان» قانون پیدا شدند که مردم با آنان مشورت می‌کردند و برای پیشبرد دعاوی از آنان کمک می‌خواستند.

در زمان هخامنشیان فقط موبدان دنجبا به مقام قضاوت نمی‌رسیدند. بلکه عمل قضاوت و حتی انتخاب قضات به دانشمندان سالخورده نیز واگذار می‌شد.

رشوه دادن از گناهان بزرگ و مجازات آن اعلام بود. کمبوجیه دستور داد پوست قاضی اسدی را کنند و بر کرسی قضاوت وی کشیدند و فرزندش را بر آن تحت نشاندند تا پیوسته هنگام قضاوت سرگذشت پدر را به خاطر داشته باشد و از راه درست منحرف نشود.

اگر کسی در محکمه محلی نمی‌توانست به حق خود برسد، می‌توانست به شاه رجوع کند. داریوش در یکی از کتیبه‌های خود می‌نویسد:

«به خواست اهورا مزدا من چنانم که راستی را دوست دارم

بدی را دوست نیستم چون مرا خشم مسلط شود با اراده سخت نگاه می‌دارم

برخویشتن سخت فرمان روا هستم

در جای دیگر می‌نویسد:

«از دروغ روی گردانم، دوست ندارم ناتوانی از حق کشی در رنج باشد هم چنین دوست ندارم که به حقوق توانا به سبب

کارهای ناتوان آسیب برسد آنچه را که درست است من آن را دوست دارم من بر خشم نیستم»

داریوش مجموعه قوانینی تنظیم کرد که آن را «دستورات نظامات خوب» نامید که تا دورترین نواحی کشور اجرا می‌شد.

چنانکه داریوش در کتیبه بیستون به آن اشاره می‌کند کلمه «دات» که امروزه به قانون ترجمه شده است. نخستین بار توسط

داریوش در کلیه ۲۵۰۰ کشور تحت الحمایه ایران رایج شد در همین مورد داریوش در کتیبه‌ای می‌نویسد: "خواست خدا در زمین، جنگ نیست، بلکه صلح نعمت و حکومت خوب است من در دل خود تخم کینه نمی‌کارم هر آنچه که مرا به چشم آورد از خود دور می‌سازم و با نیروی خود بر خشم چیره خواهم شد". در جای دیگر می‌گوید: "آنکه گزند رساند وستم کند به اندازه گوشمالش می‌دهم. نمی‌خواهم کسی زبان برساند و کیفر نبیند. آنچه کسی در بندگی دیگر مرا بگوید مرا قانع نمی‌کند مگر طبق قانون نیک گواه درست آورد و داوری شود.

داریوش در وصیت‌نامه‌اش به خشایارشا در قسمت‌هایی می‌نویسد:

زهار، زهار هرگز هم مدعی و هم قاضی نشو. اگر از کسی ادعایی دارد موافقت کن تا یک قاضی بی‌طرف آن ادعا را مورد رسیدگی قرار و رای صادر نماید زیرا کسی که مدعی است اگر هم قاضی باشد ظلم خواهد کرد...

عفو و سخاوت را فراموش نکن و بدان بعد از عدالت برجسته‌ترین صفت پادشاهان عفو و سخاوتمندی است. ولی عضو باید موقعی به کار بیافتد که کسی نسبت به تو خطایی کرده باشد و اگر به دیگر خطا کرده باشد و تو عفو کنی بدان ظلم کرده‌ایی: زیرا حق دیگری را پایمال نموده‌ای.

آنچه در این سند و دیگر اسناد مکشوفه ذکر شده بنابر شهادت مورخین فقط شعار نبوده بلکه در عمل اجرا شده زیرا الواح یافته شده نشان می‌دهد که مسوولان انجام وظایف دادگستری سخت به انجام رعایت عدالت و دادگری پایبند و به عمل در می‌آورده‌اند.

کورورش برای نخستین بار در ایران دستور داد تا دادگاه‌های محلی تاسیس شود و روزی در هر ماه برای بارعام به همه اقشار مختلف تعیین کرده بود تا شخصا بتواند با مردم به صورت مستقیم دیدار کند و مردم بتوانند مشکلاتشان را با وی رودررو در میان بگذارند که عمل در اصطلاح سیاسی امروزی، حرکت دموکراتیک خوانده می‌شود. در نتیجه نمی‌توانست حکومت فاسدی صورت بگیرد. البته مردم هم از این فعالیت‌ها حمایت می‌کردند.

بررسی نظام آموزشی در دوره ی هخامنشیان

درباره آموزش دینی و اخلاقی هخامنشیان فرزندان خود را از کودکی به فراگرفتن ورزش‌های گوناگون و کارهای دسته جمعی عادت می‌دادند تا از این راه حس همکاری و جوانمردی را در ایشان ایجاد نمایند و در انجام وظایف اجتماعی و حفظ حقوق خود و دیگران کوشا باشند، از قوانین جمعی پیروی نمایند و آن را محترم دارند و گذشته از آن از اندیشه و کردار نکوهیده در امان باشند زیرا می‌دانستند:

دل تهی، بدی جوید و دست تهی به گناه گراید.

اوستا در قبال مردم سه وظیفه بزرگ و اساسی را برعهده هر زرتشتی گذاشته است .:

دشمن را دوست کن.

پلیدی را پاکیزه بدار ..

نادان را دانا گردان.

-رسم اول مردمی و انسان دوستی را در دل بیدار و تقویت می‌کند.

-وظیفه بعدی وی تکلیف می‌دارد که بکوشد تا با رفتار و کردار نیک خود و دیگران را پاک و منزه سازد و پلیدی‌های

بیرون و درون دیگران را بردارید .

- و سرانجام به وظیفه بزرگ و اصلی انسان می‌رسیم که شرکت و کمک به آموزش دیگران است بی‌سواد را سوادآمختن و بی‌دانش را دانش بخشیدن .

دین زرتشت آموزش و پرورش نسل‌ها را به صورت فریضه‌ای الهی طرح کرده است و در "وندیداد" می‌گوید :

"از سه راه به بهشت برین می‌توان رسید:

اول، دستگیری به نیازمندان و بی‌نوایان.

دوم، یاری کردن در ازدواج دو نفر بی‌نوا.

سوم، کوشش و کمک به تعلیم و تربیت نوع بشر که به نیروی دانش، شر و ستم این دو آثار جهل از جهان رخت برینند"

داریوش در وصیت‌نامه‌اش به خشایارشا می‌نویسد :

"همواره حامی کیش یزدان پرستی باش، اما هیچ قومی را مجبور نکن که از کیش تو پیروی نمایند و پیوسته و همیشه به

خاطر داشته باش که هرکس باید آزاد باشد و از هر کیش که میل دارد پیروی نماید

- درباره توسعه و گسترش آموزش و پرورش که از عوامل اصلی و اساسی رفاه و تأمین اجتماعی است هخامنشیان کوشش بسیار زیادی به عمل آوردند و برخلاف تصور چنانکه منابع تاریخی نشان می‌دهد عموم مردم از آموزش و تحصیلات برخوردار بودند و مانعی برای تحصیل کسی وجود نداشت .

البته فرزندان طبقه اشراف و بالای جامعه از آموزش‌های متفاوتی برخوردار بودند که عملاً توسط قشر پایین جامعه دسترسی به آن امکان پذیر نبود . همانطوری که امروز هم وجود دارد . وظیفه تعلیم و تربیت در اوایل حکومت هخامنشیان برعهده موبد موبدان و روحانیون مذهبی بود و پس از آن به تدریج اقشار دیگر جامعه از جمله دانشمندان به این حوزه وارد شدند.

تربیت کودکان و نوجوانان در این دوره بیشتر با این هدف صورت می‌گرفت که آنان را دلیر و فداکار و خردمند و مفید به حال کشور پرورش دهند .

در نظام آموزشی عصر هخامنشی فرد ایرانی می‌بایست چنان پرورش می‌یافت که برای جامعه عضو مفید و سودمند باشد و منظور از تربیت آن بود که جوانان را دلیر و فداکار، خردمند و آراسته به زیور اخلاق و بالاخره مفید به حال کشور و جامعه بار آیند.

در پندنامه "آذرباد ما را اسپندان" آمده است .

اگر تو را فرزند خردسال باشد او را به دبستان بفرست زیرا افروغ دانش چون دیده روشن و بیناست .

آوزگاران را "ایثیراپائی تی" (Aethrapaiti) یا هیربد دانشمند می‌خواندند و هر یک پنجاه تن شاگرد بین هفت تا پانزده سالگی سپردند و آنان می‌بایستی روزی هشت ساعت به فرا گرفتن درس بپردازند.

معلم کسی بود که از دانش و آگاهی لازم برخوردار باشد و همواره به مطالعه بپردازد .

ای زرتشت مقد کسی را معلم بخوان که تمام شب مطالعه کند او از خردمندان درس بیاموزد تا از تشویق خاطر فارغ گردد و در سر پل صراط با قوت قلب باشد و به عالم مقدس روحانی یعنی بهشت نائل گرد.

معلمان نیز به چند رشته و مرتبه تقسیم می‌شدند:

- معلمین دینی، سوادآموزی، تربیت بدنی و معلمان علوم دیگر مانند معلمین ساب علم‌الاشیاء، کشاورزی و...

- معلمان دینی را مغان و هیربدان یا "آتراوان" یا دو "فرهنگ خوانان" و اندرزپتان و همچنین معلمان در باری و معلمان عمومی که آنان نیز بر حسب سن و خصوصیات دانش آموزان تعیین می‌شدند. برای تربیت و آموزش اطفال از میان پیران و اشخاصی را انتخاب می‌کردند که بتواند اخلاق آنان را نیز پرورش دهد و برای نوجوانان از میان مردان و برای مردان اشخاصی را که بتوانند آنان را برای شناسایی و رعایت احکام و دستورات حکومت آماده تر کند و برای پسران نیز از میان خودشان اشخاصی را برای سرپرستی انتخاب می نمودند. اولین مراکز آموزشی در ایران باستان دوران هخامنشی، آتشکده‌ها بود و چنانچه نظامی می‌گوید:

چنین بود رسم اندر آن روزگار که باشد در آتشگه آموزگار

که از حدود یکصد و چند آتشکده به این امر مهم اختصاص داشته است. از جمله مدارس دیگر که در دوره هخامنشی وجود داشته و بعدها در زمان ساسانیان شاهد آن هستیم، مدراس "رها" و دیگری "نصین" است ۴۰. از تعداد شاگردان این مدارس که در حدود هشتصد نفر ذکر شده می‌تون به تشکیلات منظم و سازمان مجهز آنها پی برد. علاوه براین مدراس دیگری با تنوع و گوناگونی بیشتر چون مداس، فنی و حرفه‌ای و همچنین حوزه‌های فلسفی، مانوی، مزدکی، زرتشتی، یهودی و مدارس علمی و ادبی چون پزشکی، ریاضی، نجوم و ... وجود داشته که زمینه را برای پیدایش این دانشگاه جندی‌شاپور را بعدها فراهم کرده است.

دانش آموزان و شاگردان در ایران باستان از چند نظر به چند رشته تقسیم نموده‌اند:

۱. دانش‌آموزان خاص که شامل: شاهزادگان و بزرگزادگان (اشراف) و درباریان، ساتراپ شهربانان، دبیران، افسران ارشد، بود که علوم جنگی و سیاسی و کشور داری را می‌آموختند.
۲. دانش‌آموزان حرفه‌ای که شامل فرزندان مغان، هیربدان و موبدان بودند علوم دینی را فرا می‌گرفتند و فرزندان پیشه‌وران و اصناف و صنعت‌گران و کشاورزان و غیره که هر یک فنون و صنایع پدری را می‌آموختند.
۳. دانش‌آموزان عمومی که شامل فرزندان آموزگاران، کارمندان، بازرگانان که آموزش فرهنگی، اداری و اقتصادی کشور را می‌آموختند.

از چگونگی کامل دانشگاهها و مراکز آموزش عالی در دوران هخامنشی به علت از بین رفتن مدارک اطلاع کاخی در دست نیست ولی شواهد باقی مانده وجود آموزش عالی را در این زمان همانطور که گفته شد تایید می‌کند. زیرا در اوایل عهد هخامنشی مکتب‌های سده در اکباتان و دیگر درسار و سمرقند تأسیس شده که گفته می‌شود در آنها پزشک، دبیر، کاهن پرورش می‌یافتند و احتمال دارد که غیر از اینها مدراس دیگری وجود داشته که جز آنها به زمان کنونی نرسیده است. گفته‌اند که یکی از قدیمی‌ترین مدارس، ایرانین باستان، مکتب اکباتان است این مدرسه یکصدسال پس از زرتشت توسط یکی از شاگردان او تأسیس گردید و با یکصد شاگرد به درمان کردن مردم می‌پرداختند.

فلوطرحس نوشته است که در مکتب سده و اکباتان که شخصا به آن راه یافته بود حکمت، نجوم، طب، جغرافیا تعلیم داده می‌شد و یکصد شاگرد در آن به تحصیل مشغول بودند ۴۳. در دوره هخامنشی علاوه بر دانشکده‌ای برای تحصیل طب در سائیس مصر چند مدرسه عالی مهم نیز در شهرهای بوریسیا، میلت و از ارخویی تأسیس گردید به علاوه در آذربایگان، ری و بلخ نیز محققاتی وجود داشته است.

تحصیل در مدرسه معمولاً از سن هفت سالگی تا چهارده، پانزده سالگی ادامه می‌یافت و کودکان و نوجوانان خواندن و نوشتن و علوم مقدماتی و اولیه را در محیط آموزشگاه فرا می‌گرفتند. مدرس عمومی در نقاط مسکونی و در نزدیکی محل کسب بازار و محل زندگی اکثریت ساخته می‌شد تا کلیه مردم و فرزندانشان به راحتی بتوانند از آن برخوردار شوند.

در کتاب یونان و بربرها در مورد محمل‌های ایرانیان باستان چنین نوشته شده که ایرانیان برای مدرسه جایگاه مخصوص دارند که جایگاه آزادی نامیده می‌شود.

درباره چگونگی گذران اوقات فراغت که یکی از عوامل مهم در بهبود و توسعه رفاه و تامین اجتماعی و از دغدغه مهم کنونی کشورهای توسعه یافته است هخامنشیان در دوران باستان اقدامات بسیار مهمی انجام داده و کوشیده‌اند تا هر چه بیشتر و بهتر زندگی مردم به شادی و رفاه بگذرد به همین لحاظ علاوه بر جشنهای سالانه در هر ماه حداقل یک روز را به جشن و پایکوبی و شادی و تفریح می‌پرداختند. ایرانیان باستان روزهای بسیاری از سال را شادمانه جشن می‌گرفتند و در این روزها با مراسمی دل‌انگیز و شادی‌آفرین فرشتگان نیکی را تقدیس و اهورامزدا را ستایش می‌کردند. به همین جهت است که در اکثر کتیبه‌های ایران باستان با چنین مضامینی روبرو می‌شویم اهورامزدا مردم را آفرید.

بررسی نظام مالی و اداری

در مورد نظام مالی و اداری ایرانیان در عصر هخامنشی، نخستین قوانین مالی منظمی در جهان آن دوران را در جهت توسعه امور مالی در کشورداری تنظیم کردند. در الواح مکشوفه تخت جمشید که ذکر آن گشت به طور بسیار دقیقی نام: خزانه‌دار، سرکارگران، کارگران و زمان کار انجام شده آنها و بهای آن محاسبه شده است.

در تاریخ کشور ما، کوروش پادشاه هخامنشی از کسانی بوده است که روشهای مدیریت او در امور اداری و کشورداری به توسعه و تکامل این علم کمک فراوان کرده است.

در طرح‌ریزی و پیش‌بینی عملیات و برنامه‌ریزی که اصل اول مدیریت است. کوروش عقیده داشت که "شبانگه باید به این فکر بود که صبحگاه چه کنیم و چون روز فرا رسید باید به این اندیشه باشیم که شب را چگونه به صبح آوریم."

-علاوه بر این نامه او به عنوان یکی از نخستین صاحب‌نظران درباره تقسیم کار بر مبنای تخصص "مشخص بودن فرمانها"، "مطالعه در حرکات"، "طرح استفاده صحیح از جا و مکان و حمل و نقل مواد" در تاریخچه توسعه و تکامل مدیریت ثبت شده است"

داریوش هخامنشی بازرسان سلطنتی را برای نخستین بار در تاریخ به وجود آورد او اولین سازمان جاسوسی رسمی دنیا را جهت جلوگیری از فساد حکومتی و ستم به مردم و کنترل مرزها و امنیت داخلی به نام "چشم و گوش" شاه در هر ساتراپی به وجود آورد.

این سازمان با توجه به اعتمادی که شاه به آنان داشت در تمام امور مملکتی اختیار نظارت غیرمحسوس داشتند و همین امر موجب می‌شد تا ماموین حکومتی و اشراف و توانمندان نتوانند بر مردم ستم کنند.

مبارزه داریوش با فساد و رشوه آنچنان شدید بود که تأثیرش را تا سالها بر نظام اداری ایران باقی ماند.

نگهداری از ۲۰ تا [۱] بود (خشترویان به منزله استانداران اموزی و یا والی در زمان صفویه بودند و تمام قدرت اداری و قضایی در دست او بود همچنین حفظ امنیت ب وصول مالیات و نظارت بر دادگستری که به دست امرای محلی بود نیز از وظایف والی استاندار بود. ۳۰ ساتراپی که به منزله ایالت بودند و در هر یک فردی به نام "خشترویان" یعنی تعیین شده

ساترایی منطقه‌ایی را در برمی‌گرفت که طی تاریخ شکل گرفته بودو ساکنان آن از نظر مردم شناسی یعنی از لحاظ فرهنگی و آداب و رسوم و مشابه بودند .

در مورد امور مالیه داریوش برای هریالتی یک مالیات جنسی و نقدی مقرر داشت. سپاه ایران در این دوره به صورت مرزی اداره می‌شد و هم‌چنین تعداد سپاهیان و پادگان‌های هر ساترایی تعیین گردیده بود.

داریوش در ادامه اقدامات اصلاحی خویش دستور تنظیم و استاندارد شدن اوزان و مقیاس‌ها را صادر کرد و جمع‌آوری مالیات و پرداخت‌ها را قاعده‌مند کرد .

ضرب سکه نقره به شکل به صورت گسترده و رسمی در همین عصر و با یک وزن استاندارد شده ه دستور او رایج شد.

فهرست خزانه‌داران تخت‌جمشید از سال ۴۹۰ ق.م در الواح تخت‌جمشید ثبت شده است. به طور مثال شخصی به نام "بردکمه" از سال ۴۹۰ تا ۴۴۶ ق.م عنوان خزانه‌دار کل ایران را داشته و جیره ماهیانه بسیار زیادی که ثبت شده نشان می‌دهد از اهمیت فوق‌العاده‌ایی برخوردار بوده و طبق اسناد تنها خزانه‌داری بوده که این مدت طولانی سمت خویش را حفظ کرده است. در کنار این خزانه‌دار اصلی خزانه‌دارهای دیگری بوده‌اند که در مواقع ضروری از آنها استفاده می‌گردیده است . در آن دوران سیستم اداری و مالی دقیقی طراحی و اجرا شده بود به طوری که حتی نام انبارداران قسمت‌های مختلف بیست و پنج ساترایی ایران و چند پادشاه بعد از داریوش به خوبی معلوم است.

گمرک برای نخستین بار به معنای امروزی آن در تمام شهرهای بزرگ ایران به دستور داریوش اول برپا شده بود و کلیه کالاهایی که وارد یا خارج می‌شدند مشمول اخراج می‌شدند. پادشاهان هخامنشی جهت امور مملکتی از هیاتی از مشاوران حکومتی استفاده می‌کردند و در کنار آن در امور مالی و سیاسی و... از خشتروبان نیز نظر مشورتی می‌خواستند چنانکه پولیاس در کتاب تاریخ خود در فصل یازدهم بند سه همین نکته را اشاره می‌کند و بیان می‌نماید که : داریوش نخستین کسی است که میزان خراج پرداختی اقوام خود را تعیین کرد و در تعیین میزان آن از نظر استانداران استفاده کرد و میزان خراج را پس از مشورت به نصف کاهش داد.

همچنین جهت بایگانی اسناد خزانه مرکزی تأسیس شد و اسناد چندین دهه در یک تالار بزرگ در تخت جمشید بایگانی می‌شد.

اینها و موارد منعقد دیگر به خوبی نشان می‌دهد که نظام اداری عظیمی که در زمان هخامنشیان به وجود آمده یک هدف اصلی داشته و آن جلوگیری از فساد و ایجاد نظم و حرکت ه سوی توسعه یافتگی و رفاه و تامین اجتماعی و بهزیستی مردم در قلمرو خویش تا چندین دهه، مردم در آن دوران نسبت به مردمان هم عصر خویش از رفاه بیشتری برخوردار بوده‌اند . زیرا مشارکت مردم در برنامه‌های رفاهی هخامنشیان، نظم، مسوولیت‌پذیری حاکمان، سیستم اداری منظم، فقدان فساد به صورت گسترده در حکومت و همچنین برنامه‌ریزی دقیق در کلیه امور از مهمترین عوامل توسعه رفاه و تامین اجتماعی است که در آن روزگار وجود داشته است .

از اینرو دوران حکومت هخامنشیان بدون شک یکی از درخشانترین دورانی بوده است که مردم به چشم دیده‌اند حکومتی که در جهت توسعه و رفاه مردم این سرزمین تلاش فراوانی از خود بروز دارند و صفحات درخشانی را از خود بیادگار گذاردند.

۳. نتیجه‌گیری خلاصه آن که ایرانیان باستان در عصر هخامنشی با فرهنگ و تمدن درخشان خود که گنجینه عظیمی از هنر، اندیشه، اخلاق، فرزادگی، آداب و رسوم و سنن است همواره با اقدامات موثر و گوناگونی که در جهت رفاه و تامین اجتماعی مردم این سرزمین به عمل آورند، کوشیدند تا این مهم و حیاتی را در میان مردم به بهترین نحو به اجرا درآورند زیرا دریافته

بودند که به- زیستن سر بقا و توسعه جامعه و کور به سوی تعالی است و تا این مهم حاصل نیاید جامعه توسعه نمی یابد و حکومت دوام نمی آورد .

بدین منظور آنان با استفاده از تمام عوامل ممکن که شرح آنها گذشت تلاش کردند تا حداکثر رفاه و بهزیستی و امنیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و... را در جامعه به وجود آورند . علاوه بر آن کوشیدند تا فرد ایرانی را چنان پرورش دهند که برای جامعه عضو مفید و سودمندی باشد و وظایف خود را در قبال میهن به انجام برساند و با عادت دادن کودکان و جوانان به کارهای دسته جمعی حس همکاری و جوانمردی را در ایشان ایجاد نموده و در انجام وظایف اجتماعی و حفظ حقوق خود و دیگران کوشا باشند، از قوانین جمعی پیروز نماید آن را محترم دارد و گذشته از آن از اندیشه و کردار نکوهیده در امان باشند. زیرا می دانستند که "دل تهی بدی جوید و دت تهی به گناه گراید" از این رو برماست که میراث فرهنگی و بزرگان گذشته را مقدس و محترم شماریم بدینوسیله از خودبیگانگی و فرار مغزها در جامعه جلوگیری نماییم

منابع و مراجع

- دکتر محمد محمدی - فرهنگ و تمدن پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی - دانشگاه تهران ۱۳۵۳ ص ۱۹
 -ر.ش به کتابهای تامین و رفاه اجتماعی - دکتر محمد آراسته خو - دانشگاه پیام نور - ۱۳۸۳ تمام کتاب
 -عل اصغر حکمت - آموزش در ایران باستان - انتشارات موسسه تحقیقات و برنامه ریزی علمی آموزشی ۱۳۵۰ ص ۳۹
 -پیربریان - امپراطور هخامنشی - ترجمه ناهید فروغان - نشر قطره ۱۳۸۱
 -دکتر اسماعیل دولتشاهی - تاریخ عمومی - دانشسرای عالی ۱۳۳۴ - ص ۶۴-۶۵
 -پی.یر بریان - همان و حکمت - همان ص ۸۹
 -مرتضی راوندی - تاریخ اجتماعی ایران جلد ۵ - ص ۷۲۶-۷۲۳
 -مرتضی راوندی - تاریخ اجتماعی ایران جلد ۶ - نشر ناشر - ۱۳۶۳ - ص ۱۸
 -بدیع آیه کوثر - سنگ نبشته ها سخن می گویند - روابط عمومی ستاد بزرگ ارتشباران تهران ص ۱۱۱-۱۱۰ و ۱۳۲-۱۳۱
 -حمید نیرنوری - سهم ایران در تمدن جهانی - شرکت ملی نفت ایران - سال ۱۳۴۵ ص ۱۱۸
 -محمد جواد مشکور - تاریخ مردم اوراتور - نشریه شماره یک انجمن فرهنگی و هزار ایران - ۱۳۳۱ - ص ۵ و همان ص ۱۴۶
 -پی.یر بریان - همان صفحه ۵۷۲-۵۶۲ - راوندی جلدی ۵ - همان ص ۵۲۹ و محمد جواد مشکور تاریخ اجتماعی ایران تهران
 -امیر کبیر ۱۳۴۷ ص ۵۶
 -حکمت همان ص ۱۴۷ - و ایرانشهر - یونسکو- ایرانشهر - کمیسیون ملی یونسکو دانشگاه تهران سال ۱۳۴۲-۱۳۴۳
 -ج آربری - میراث ایران - بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران ۱۳۴۶ - ص ۳۲۳
 -بدیع آیه کوثر همان ص ۳۱ و حکمت همان صفحه ۴۱
 -ی یر بریان - همان ص ۶۵۱ و حکمت همان ص ۴۴۳ و کتاب اشکانیان تالیف م. م دیاکولو - اشکانیان - ترجمه کریم کشاورز - انجمن فرهنگ ایران باستان ۱۳۴۴ - ص ۷۴
 ۱. فارسیجانی، حسن؛ فیضی، کامران؛ شفیعی نیک آبادی محسن. (۱۳۹۰). تأثیر نیروهای رقابتی سازمان بر کاربرد دانش جهت بهبود عملکرد زنجیره تامین در صنعت خودرو. چشم انداز مدیریت بازرگانی، شماره ۶، پیاپی ۳۹، ص ۷۱-۹۲.

۲. شفیعی نیک آبادی، محسن؛ فیضی، کامران؛ الفت، لعیا؛ تقوی فرد، محمدتقی. (۱۳۹۰). ساختاری چند بعدی جهت تبیین اثر فرهنگ سازمانی و فرهنگ زنجیره تأمین بر انتقال، اشتراک و توزیع دانش در زنجیره تأمین صنعت خودروسازی ایران: با تأکید بر بهبود عملکرد زنجیره تأمین. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، زودآیند.

۳. رابینز، استیفن. مبانی رفتار سازمانی. (۱۳۸۸). ترجمه امیدواران، کامیار و همکاران، چاپ سوم، انتشارات مهربان نشر، صفحه ۲۸۲.

۱. Campell, J. P., McCloy, R. A., Oppler, S. H., & Sager, C. E. (1993). A theory of performance: In N. Schmitt & W. C. Borman (Eds.), *Personnel Selection in organizations* (pp. 35-70). San Francisco: Jossey Bass.
۲. Boxall, P., Purcell, J. and Wright, P. (2007). *The oxford handbook of human resource management*. Oxford university press.
۳. Boxall, P., & Purcell, J. (2003). *Strategy and Human Resource Management*. New York: Palgrave Macmillan.
۴. Gratton, L., Hailey, V. H., and Truss, C. (2000). *Strategic Human Resource Management*. New York: Oxford University Press.
۵. Guest, D. E. (1987) Human resource management and industrial relations, *Journal of Management Studies*, 14(5), pp 503–521.
۶. Herzberg, F. (1968). One more time: how do you motivate employees? *Harvard Business Review*, January–February, pp 109–120.

